

واکاوی چالش‌های فراروی بنگاه‌های صنعتی کوچک و متوسط از دیدگاه صاحبان بنگاه‌های مستقر در شهرک صنعتی کاشمر

مهدی نایدر^{۱*}

زهرا فلک‌الدین^۲

سید سعید ملک الساداتی^۳

چکیده

این مطالعه باهدف کاوش برساخت اجتماعی ناکامی اقتصادی و چگونگی تفسیر و فهم آن از دیدگاه صاحبان بنگاه‌های کوچک و متوسط مستقر در شهرک صنعتی کاشمر واقع در استان خراسان رضوی است. داده‌ها از طریق مشاهده، مصاحبه عمیق و مصاحبه گروهی گردآوری شده و برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از روش گرند تئوری استفاده شده است. مشارکت‌کنندگان در تحقیق ۱۲ نفر از صاحبان بنگاه‌ها می‌باشند که به شیوه نمونه‌گیری نظری با حداکثر نوسان انتخاب شده‌اند. نتایج پژوهش نشان داد که نوسانات بازار ارز، موانع نظام بانکی و اختلافات شرکا از شرایط اصلی ناکامی اقتصادی هستند و مدیریت سنتی، پایین بودن سطح تخصص نیرو و ماهیت تقلیدی حاکم بر صنعت بسترهای لازم ناکامی اقتصادی را فراهم می‌کنند. همچنین دولت، نظام بروکراسی، فرهنگ ضد سرمایه‌دار و بستر اجتماعی به‌عنوان شرایط زمینه‌ساز ناکامی اقتصادی عمل می‌کنند. نتایج پژوهش نشان داد که ناکامی علاوه بر بعد اقتصادی، به دلیل پیوند نزدیک آن با منزلت و اعتبار اجتماعی افراد دارای معانی خاص اجتماعی نیز هست.

واژگان کلیدی: بنگاه‌های صنعتی کوچک و متوسط، ناکامی اقتصادی، کارآفرینی، عمر بنگاه، اقتصاد ایران.

naydar1@gmail.com

Zahra.falakodin93@gmail.com

ss.malek@gmail.com

۱- دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی اقتصادی و توسعه دانشگاه یزد؛

۲- دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی اقتصادی و توسعه دانشگاه یزد؛

۳- استادیار اقتصاد دانشکده علوم اداری و اقتصادی دانشگاه فردوسی مشهد.

بیان مسئله

یکی از اولویت‌های مهم در جامعه‌شناسی اقتصادی مطالعه بنگاه‌ها است. در حالی که اقتصاددانان در مطالعات خود عمدتاً بر روی یک بنگاه مجرد کار می‌کنند جامعه‌شناسان به جمع بنگاه‌ها و محیط آن‌ها می‌پردازند (سوئدبرگ^۱، ۱۳۹۵: ۲۰۰). بنگاه‌های اقتصادی را می‌توان برحسب شاخص‌های مختلف طبقه‌بندی کرد. یکی از این شاخص‌ها، تعیین اندازه بنگاه بر اساس تعداد شاغلین به عنوان یکی از استانداردهای متداول برای طبقه‌بندی مقیاس بزرگی بنگاه تولیدی است که سطوح اندازه‌گیری آن بسته به کشورهای مختلف متفاوت است. بر این مبنا بنگاه‌ها به سه دسته بنگاه‌های کوچک، بنگاه‌های متوسط و بنگاه‌های بزرگ تقسیم می‌شوند.

تعریف بنگاه‌های کوچک و متوسط در ایران از سازمانی به سازمان دیگر متفاوت است. ارگان‌ها و سازمان‌های مختلف هر یک بنا به مقتضیات کاری خود به تعریف و تقسیم‌بندی بنگاه‌ها از حیث بزرگی، کوچکی و متوسطی پرداخته‌اند. بنابر تعریف سازمان صنایع کوچک و شهرک‌های صنعتی، بنگاه‌های کوچک و متوسط به بنگاه‌هایی اطلاق می‌شود که تعداد شاغلان آنها بین ۵ تا ۵۰ نفر باشد (سیف، ۱۳۹۳). به بیانی دیگر بنگاه‌های کوچک و متوسط نهادهای محدود اقتصادی هستند که از طریق انباشت منابع مالی خرد، کارآفرینی و پیوند با صنایع، زمینه‌های توسعه اقتصادی را فراهم می‌آورند. این بنگاه‌ها همچنین در رشد اقتصادی، اشتغال، تولید ثروت و کاهش فقر کشورها نقش حیاتی ایفا می‌کنند. به همین علت این دسته از بنگاه‌ها همواره کانون توجه دولت و تصمیم‌گیران اقتصادی بوده‌اند (معاونت پژوهش‌های اقتصادی مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، ۱۳۹۴: ۵). در همین راستا در برنامه‌های پنج‌ساله توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور توسعه بنگاه‌های کوچک و متوسط مورد توجه و تأکید قرار گرفته است (سید جوادین و همکاران، ۱۳۸۹: ۲۱).

مروری بر وضعیت بنگاه‌های صنعتی در ایران بیانگر این است که بیش از ۹۰ درصد واحدهای صنعتی در ایران صنایع کوچک و متوسط هستند (طالبی، ۱۳۹۶: ۵۵). علیرغم فراوانی این بنگاه‌ها و نیز منافع اقتصادی و اجتماعی آن‌ها، این بنگاه‌ها در فرآیند چرخه حیات خود مسیرهای متفاوتی را طی می‌کنند. برخی می‌توانند سیر مراحل طبیعی عمر بنگاه را طی کنند، برخی با ظرفیت کمتر از ظرفیت اسمی خود فعالیت می‌کنند و خود را سرپا نگه می‌دارند و برخی نیز تعطیلی و توقف تولید را تجربه می‌کنند. بنا بر آمار ارائه شده توسط مدیرعامل وقت سازمان صنایع کوچک و شهرک‌های صنعتی ایران در سال ۹۷ «از مجموع ۴۲ هزار و ۳۳۵ واحد صنعتی

1- Swedenberg

واقع در شهرک‌های صنعتی، ۱۱ هزار و ۱۹۲ واحد غیرفعال‌اند» (صالحی‌نیا، ۱۳۹۸) که این رقم بسیار قابل‌تأمل و توجه است؛ بنابراین شاید بتوان ادعا کرد عمر کوتاه و ناکامی بنگاه‌های کوچک و متوسط صنعتی یکی از مسائل مهم در اقتصاد ایران است.

یکی از وجوه قابل‌مطالعه جامعه‌شناختی بنگاه‌های کوچک و متوسط صنعتی شناخت و کاوش معنایی پدیده ناکامی اقتصادی به‌عنوان پدیده‌ای اقتصادی-اجتماعی است. ناکامی^۱ احساسی است که در نتیجه ایجاد مانع بر سر راه رسیدن به هدفی که فرد مطلوب می‌شمارد، پدید می‌آید (محسنی تبریزی، ۱۳۷۹: ۲۰۱). به عبارتی، ناکامی زمانی رخ می‌دهد که فرد در دستیابی به هدفی که انتظار رسیدن به آن را دارد با شکست پیش‌بینی نشده مواجه می‌شود (رحمتی، ۱۳۸۳: ۱۹۹). توقف یا تعطیلی یک بنگاه اقتصادی که باهدف پیشینه‌سازی سود راه اندازی شده است به‌مثابه واقعیتهای اثرگذار برکنش‌های فعالان اقتصادی دارای پروسه‌ای است که در ناخودآگاه همین کنشگران معنا و تفسیرهایی منحصربه‌فرد و غیر تئوریک به خود اختصاص می‌دهد. مطالعه چگونگی برساخت شدن پدیده ناکامی اقتصادی از منظر دید و خوانش کنشگران علاوه بر معنا و تفسیر کارآفرینان و فعالان اقتصادی، امکان تشریح و دلایل این پدیده و نیز شناخت آسیب‌شناسانه آن را فراهم می‌کند. بر این اساس سؤال اصلی موردتوجه در این پژوهش این است که صاحبان بنگاه‌های کوچک و متوسط صنعتی برساخت پدیده ناکامی اقتصادی را چگونه درک و تفسیر می‌کنند؟ دلایل این پدیده را چه می‌دانند؟ در همین راستا مطالعه حاضر با هدف بررسی جامعه‌شناختی پدیده ناکامی بنگاه‌های اقتصادی و عوامل زمینه‌ساز آن در سطح بنگاه‌های کوچک و متوسط مستقر در شهرک صنعتی کاشمر از توابع استان خراسان انجام‌شده است.

ادبیات موضوع

در بررسی پدیده ناکامی اقتصادی در بنگاه‌های کوچک و متوسط و دلایل زمینه‌ساز و موجد آن، از بین رهیافت‌های مختلف در جامعه‌شناسی، جامعه‌شناسی اقتصادی و مکاتب مختلف اقتصادی، دیدگاه برساخت‌گرایی اجتماعی و نیز نظریه حک‌شدگی گرانووتر^۲، میدان‌های بوردیو^۳ می‌تواند الهام‌بخش باشد. رویکرد برساخت‌گرایی اجتماعی که بر اصالت انسان در برابر اصالت محیط تأکید دارد بر این باور است که واقعیتهای در فرایند درک و تفسیر انسان‌ها و در خلال زندگی روزمره ساخته‌شده و معنادار می‌شوند. معانی تولیدشده وابسته به بستر بوده و در درون آن بستر اجتماعی معنا می‌یابد؛ بنابراین، نه‌تنها نحوه درک و فهم انسان‌ها از واقعیتهای اهمیت دارد، بلکه

1. Frustration
2. Granoweter
3. Bourdieu

واقعیت‌ها اشکال متعددی نیز دارند پس ما نه‌تنها با یک واقعیت واحد و مشخص بلکه با واقعیت‌های متعدد و گوناگونی نیز روبه‌رو هستیم (محمدپور، ۱۳۸۹: ۳۳۳). شومپیتر^۱ به‌عنوان یگانه اقتصاددانی که در میان اقتصاددانان به‌روشنی درباره جامعه‌شناسی اقتصادی سخن گفته و در تلاش بوده جایگاه خاصی برای آن ایجاد کند (سوئدبرگ، ۱۳۹۵: ۱۱۳) می‌نویسد: انسان‌ها بنابر تجربه زیسته‌شان دارای دانشی حسی راجع به امور معیشتی فردی و عمومی زندگی خود هستند، دانش لازم یک اقتصاددان و یک فرد عادی راجع به امور معیشتی فردی و عمومی باهم دیگر دارای قرابت بسیاری بوده و این دانش حسی جزئی از تجربه زیسته افراد عادی است و لزوماً غلط نیست. بلکه تا حدودی نسبت به دانش تخصصی و تئوریک یک فرد اقتصاددان غیرعلمی است. اقتصاد به‌خودی‌خود با بهره و نرخ سود و میل نهایی به پس‌انداز و ضرر و هزینه تولید و این قبیل موارد مرتبط است نه با ذات انسانی (شومپیتر، ۱۳۷۵: ۱۶).

گرانووتر از پیشگامان جامعه‌شناسی اقتصادی معاصر با طرح مفهوم کلیدی حک‌شدگی^۲ گفتمان جدیدی را در فضای جامعه‌شناسی اقتصادی وارد کرد (علی‌نژاد، ۱۳۹۷: ۱۷۳). او معتقد است کنشگران نه به‌عنوان اتم‌هایی خارج از متن اجتماعی رفتار کرده و تصمیم می‌گیرند و نه برده‌وار از نسخه پیچیده شده‌ای که به‌وسیله مقوله‌های اجتماعی دارای فصل مشترک برای آن‌ها نوشته شده است، تبعیت می‌کنند، بلکه تلاش آن‌ها برای رفتارهای هدف‌دار در نظام‌های اقتصادی استوار روابط اجتماعی حک شده است (سوئدبرگ، ۱۳۹۵: ۴۵). مراد از حک‌شدگی وضعیتی است که در آن افراد و کنش آن‌ها به متن اجتماعی خود پیوند خورده و متصل می‌شود. اینکه گفته می‌شود به‌عنوان مثال شرکت‌ها در درون جامعه یا سیاست‌ها حذف شده‌اند به این معنی است که افراد موجود در شرکت‌ها و طرز عمل آن‌ها به‌وسیله شبکه‌ها، قوانین، فرهنگ به هم گره خورده و به محیط اجتماعی پیرامون خودشان وابسته است نه مستقل از آن‌ها (هس^۳، ۲۰۰۷: ۲۱۱). پورتز^۴ معتقد است حک‌شدگی درون ساختارها را هم محدودکننده و هم حمایت‌کننده (مثبت و منفی) می‌داند (پورتز به نقل از علی‌نژاد، ۱۳۹۷: ۲۸۰). حک‌شدگی انواع مختلفی دارد که عبارت‌اند از: حک‌شدگی ساختاری، حک‌شدگی شناختی، حک‌شدگی فرهنگی، حک‌شدگی نهادی و حک‌شدگی سیاسی (همان: ۱۶).

پیر بوردیو با انتشار مقاله میدان‌های اقتصادی در سال ۱۹۹۷ مدل نظری دیگری را جایگزین مدل حک‌شدگی کرده که می‌توان آن را رقیب و چالشی برای رهیافت حک‌شدگی گرانووتر

1. Schumpeter
2. Embeddness
3. Hass
4. Portz

دانست (سوئد برگ، ۱۳۹۵:۱۴۳). بورديو استدلال خود را با اين ايده شروع مي‌کند زندگي اقتصادي به صورت وسيعي نتيجه مواجهه ميان کنشگران با عادات و خلق و خويهاي خاص در ميدان اقتصادي است. حوزه اقتصادي مي‌تواند صنعت يک کشور و يا حتي کل جهان فرض شود. اگر ساختار ميدان اقتصادي را يک صنعت بگيريم ساختار آن شامل روابط قدرت در ميان بنگاه‌ها مي‌شود که از طريق سرمايه در ترکيبات مختلف آنان (سرمايه مالي، فني، اجتماعي و غيره) حفظ مي‌شود. قدرت برتر و مسلط و بنگاه‌هاي مسلط و برتر و نيز يک تنازع مداوم و ثابت بين آنها در اين ميدان اقتصادي وجود دارد. آنچه بيرون ميدان اقتصادي اتفاق مي‌افتد به ويژه در سطح دولت نقش مهمي در تنازع درون صنعت بازي مي‌کند (سوئدبرگ، ۱۳۹۵: ۲۴۸). يکي از مؤلفه‌هاي محوري در ميدان‌هاي اقتصادي «استراتژي عمل اقتصادي» کنشگران است که تابعي از عقلانيت معطوف به هدف و نحوه مواجهه اقتصادي کنشگران در درون اين ميدان‌ها است. از آنجا که براي بورديو ميدان‌هاي اقتصادي داراي ماهيت پويا و متغير هستند و از طرف ديگر ممکن است اين ميدان‌ها به تدريج دچار دگرگوني شده و تغيير يابند، لذا ضروري است که کنشگران در درون اين ميدان‌ها از يک سري استراتژي‌هايي براي پويائي اقتصادي و دستيابي به اهداف ناهم‌هنگ کنشگران رقيب به خود بهره گيرند. اساساً مفهوم استراتژي با وجه اقتصادي ميدان‌ها قرابت معنائي و مفهومي داشته و تابع نوعي رقابت اقتصادي نامتعين است. به عبارت ديگر، کنشگران اقتصادي درون ميدان‌ها به شيوه‌اي نيت‌مند، اما ناآگاهانه عمل مي‌کنند که پيامد کنش آنها تابع جهت‌گيري اقتصادي ساير کنشگران است. در واقع، مفهوم استراتژي کنش معطوف به اهدافي است که نتايج آن تابع واکنش‌هاي ديگر کنشگران در درون ميدان‌هاي اقتصادي است تا خود کنشگران (علي‌نژاد، ۱۳۹۷: ۱۸۶).

پيشينه پژوهش

مطالعه بني‌فاطمه و همکاران (۱۳۹۶) با عنوان «بررسي چالش‌هاي جامعه‌شناختي رشد و توسعه بنگاه‌هاي اقتصادي خانوادگي: مطالعه موردی بنگاه‌هاي اقتصادي کوچک و متوسط شهر تهران» يکي از معدود مطالعات جامعه‌شناختي است که به چالش‌هاي سن بنگاه‌ها پرداخته است. نتايج اين مطالعه که به روش کيفي و با مصاحبه با ۲۵ نفر از مديران بنگاه‌هاي اقتصادي خانوادگي کوچک و متوسط انجام شده، حاکی از اين است که نوع بنگاه‌ها با شش چالش اصلي شامل چالش‌هاي فرهنگي/هويتي، درجه‌بندي فاميلى، شکاف نسلي، ملاحظات فاميلى و چالش شراکتی/مدیریتی رو به رو هستند. و آن دسته از بنگاه‌ها که نتوانند راه‌حلي براي رويارويي با اين چالش‌ها پيدا کنند در فرايند انتقال نسلي يا انتقال دچار مشکل مي‌شوند.

یافته‌های مطالعه فیض‌پور و موبد (۱۳۸۷) با عنوان «توقف بنگاه‌های صنعتی کوچک و متوسط استان یزد طی برنامه سوم و عوامل مؤثر بر آن» که با تکنیک رگرسیون پروبیت و بررسی ۱۷۵ بنگاه تعطیل شده انجام شده، بیانگر این است که استقرار در شهرک صنعتی و اندازه بنگاه تأثیری بر توقف آن‌ها نداشته است. با این وجود، احتمال توقف بنگاه در بین گروه‌های مختلف صنعت متفاوت بوده و علاوه بر آن احتمال توقف بنگاه‌های مسن کمتر از بنگاه‌های جوان است.

اکبری و همکاران (۱۳۹۵) در بررسی «تأثیر عوامل نهادی بر عملکرد پایدار بنگاه‌های مستقر در منطقه آزاد تجاری - صنعتی انزلی» که در بین ۱۵۱ شرکت فعال در مستقر در این منطقه با روش کمی انجام شده، نشان داده‌اند عوامل نهادی از جمله روابط سیاسی مدیریت، مشروعیت قانونی سازمان (همسو بودن هنجارها و ارزش‌ها با باورهای جامعه) و حمایت نهادی (حمایت و پشتیبانی از طریق ابزارهایی مانند اعطای وام یا اعطای برخی از حقوق مثل مجوز واردات) بر عملکرد پایدار بنگاه‌ها تأثیر مستقیم داشته است.

نتایج مطالعه پارساپور و همکاران (۱۳۹۶) و همکاران با عنوان «عوامل اثرگذار بر پایداری بنگاه‌های کوچک و کارآفرین مورد مطالعه: بنگاه‌های صنعتی شهرستان مشهد» که با روش کمی انجام گرفته است، حاکی از این است که مهم‌ترین عوامل مؤثر بر پایداری و بنگاه‌های کوچک عبارت‌اند از: تحصیلات مدیر، نحوه کنترل و نظارت بنگاه توسط مدیر، ریسک‌پذیری مدیر، آگاهی از فرصت‌های بازار، تعداد دوره آموزشی کارکنان، دسترسی به بازار و اتکا به تأمین مالی استقراری.

مطالعه مهرعلی‌زاده و سجادی (۲۰۰۶) با عنوان «بررسی عوامل مرتبط با موفقیت و عدم موفقیت کارآفرینان مشاغل کوچک صنعتی با تأکید بر میزان تحصیلات و آموزش آن‌ها» یکی دیگر از مطالعاتی است که باهدف بررسی و تبیین عوامل اصلی مربوط به موفقیت و عدم موفقیت کارآفرینان در مشاغل کوچک صنعتی در شهر اهواز با روش کمی انجام شده است نتایج نشان داد که: الف- از دیدگاه کارآفرینان ناکام، موارد زیر تأثیرات مهمی بر عملکرد ضعیف و عدم موفقیت در کار خود دارد: ضعف مدیریت مهارت‌های فنی، مسائل مالی، برنامه‌ریزی و سازمان‌دهی شغل خود، موضوعات اقتصادی، موضوعات غیررسمی، ضعف مدیریت مهارت‌های مفهومی، مهارت‌های پرسنلی، آموزش کم و روابط انسانی ضعیف. ب- از دیدگاه کارآفرینان موفق موارد زیر تأثیرات مهمی بر عملکرد بالایی آن‌ها در کار خود دارد: مدیریت مناسب مهارت‌های فنی، انتخاب کارکنان مناسب با مهارت‌های مربوطه، آموزش و توجه بیشتر به آموزش پرسنل، استفاده از مهارت‌های مفهومی مدیریت، مسائل مالی، ارتباط بهتر انسانی، به رسمیت شناختن اوضاع اقتصادی، برنامه‌ریزی و سازمان‌دهی مشاغل و امور غیررسمی آن‌ها.

در بین مطالعات خارجی مرتبط می‌توان به مطالعه لیبی^۱ و همکاران (۲۰۲۰) با عنوان «نشانه‌های شکست شرکت‌های کوچک و فشار مالی» با روش کیفی در آلبانی اشاره کرد. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد بحران شرکت یک پدیده ذاتی از خود شرکت است. در این مطالعه که بخشی از مطالعات علائم شکست در بنگاه‌های خصوصی و کوچک را نشان می‌دهد، یکی از دلایل اصلی شکست شرکت‌های کوچک را مسائل مالی عنوان می‌کند. نویسندگان این مقاله معتقدند باید بین عدم موفقیت شرکت و ورشکستگی که اعلام قانونی عدم موفقیت شرکت است، تمایز قائل شد.

باش^۲ (۲۰۱۹) پژوهشی با عنوان «علل و تأثیر شکست کسب‌وکار در شرکت‌های کوچک و متوسط در آفریقای جنوبی» با روش کمی انجام داد. با توجه به عوامل مختلف شکست، این مطالعه یافته‌های خود را به سه عامل ناتوانی کارآفرین، عدم حساسیت به محیط‌زیست و عدم توانایی شرکت محدود کرده است که هر سه عامل به درک ضعیف از نیازهای متنوع کسب‌وکارها در هر مرحله از روند رشد آن‌ها نسبت داده شده است. بر اساس یافته‌ای این مطالعه، هر وضعیت شکست باید به‌عنوان یک مورد منحصر به فرد مورد بررسی قرار گیرد. همچنین موفقیت شرکت‌ها به سه عنصر ظرفیت کارآفرین، رقابت‌پذیری سازمانی و دستیابی به محیط‌زیست بستگی دارد.

آموه^۳ و همکاران (۲۰۱۸) در پژوهشی با عنوان «اثرات تجربه عدم موفقیت در مشاغل کارآفرینی: یک مدل مرحله تکاملی»، مطالعه بینش‌هایی را از مطالعات مربوط به تجربه کارآفرینی از شکست و برداشت سازمان را برای تهیه یک مدل تکاملی به‌منظور توضیح اینکه چگونه تجربه عدم موفقیت در کسب‌وکار قبلی بر شروع مشاغل تازه به کار تأثیر می‌گذارد، با روش کیفی ترسیم می‌کند. با استفاده از مطالعات متعدد موردی از کارآفرینان مستقر در جوامع درحال توسعه در صحرای آفریقا، چهار مرحله متمایز از شکست کسب‌وکار پس از کارآفرینی کشف شدند: اندوه و ناامیدی، گذار، مراحل شکل‌گیری و میراث. مشخص شد درحالی‌که مراحل اندوه و گذار مستلزم فرآیندهای انعکاس و یادگیری از تجربیات شکست در کسب‌وکار است، مراحل شکل‌گیری و میراث شامل فرآیندهای تقویت دانش تجربی کارآفرینان در بنگاه‌های تازه و نوپا آن‌ها است.

«شکل‌گیری شکست کسب‌وکار: یک گزارش کیفی از پیامدهای آن در موفقیت کسب‌وکار در آینده» عنوان پژوهش دیاس و تیکسرا^۴ (۲۰۱۷) است. هدف این مقاله تجزیه و تحلیل

1. Lipi
2. Bushe
3. Amoah
4. Dias & Teixeira

پیامدهای ناکامی در تجارت (کسب‌وکار) (BF) با پرداختن به این موضوع است که چگونه یک کارآفرین پیشرفت کرده و سرمایه‌گذاری‌های جدید خود را در پرتو یک شکست توسعه داده است؛ و این که چگونه افراد با توجه به عدم موفقیت خود، رفتارها و عملکردهای تجاری خود را تغییر داده‌اند؛ و از مصاحبه‌های نیمه ساختاریافته با شش کارآفرین، سه نفر در شمال اروپا و سه نفر در جنوب با روش پدیدارشناسی تفسیری انجام داده‌اند. یافته‌های این مطالعه نشان می‌دهد شکست قبلی در کسب‌وکار، افراد را به شدت تحت تأثیر قرار داده است و تأثیر قابل توجهی بر مسیر شغلی فرد داشته است.

روش‌شناسی پژوهش

تحقیق حاضر با رویکرد کیفی و به روش نظریه داده بنیاد^۱ در سال ۱۳۹۸ انجام شده است. مشارکت‌کنندگان در این پژوهش ۱۲ نفر از مالکین بنگاه‌های کوچک و متوسط مستقر در شهرک صنعتی کاشمر بودند که واحد تولیدی آنها هم اکنون تعطیل یا نیمه تعطیل است. با توجه به روش و هدف مطالعه، مصاحبه‌شوندگان با روش نمونه‌گیری هدفمند انتخاب شدند. جمع‌آوری داده‌ها از طریق ابزارهای مشاهده، مصاحبه نیمه ساختاریافته و مصاحبه گروهی انجام گرفت. در کنار سایر سؤالاتی که اهداف اصلی تحقیق را دنبال می‌کرد، یکی از سؤالات مرتبط با پژوهش حاضر این بود که چرا شرکت شما تعطیل شده است؟ پدیده ناکامی اقتصادی را چگونه درک و تفسیر می‌کنند؟ و بسترها و دلایل این پدیده را چه می‌دانند؟ با توجه به پاسخی که مشارکت‌کنندگان می‌دادند خرده سؤالات حین مصاحبه نیز از سوی محقق انجام می‌شد. مصاحبه‌ها ضبط شد و پس‌از آن بر روی کاغذ و با آگاهی از شرکت‌کنندگان و با رعایت اصول اخلاقی در تحقیق و به‌طور خاص اصل ناشناس بودن شرکت‌کنندگان نوشته شد؛ و در مراحل آغازین مصاحبه‌ها سعی بر این شد هرجایی که محقق به این نتیجه رسید اشباع نظری رخ داده است مصاحبه‌ها را متوقف کند، به این معنی که داده‌ها چیز تازه‌ای ندارند که بر یافته‌های پیشین بیفزایند؛ و در مرحله بعد تحلیل داده‌ها شروع شد. داده‌های این بخش به روش کدگذاری نظری به سه شیوه صورت گرفت کدگذاری باز، محوری و گزینشی؛ و محقق با غوطه‌ور شدن در داده‌ها به استخراج مضامین می‌پردازد. در این مسیر، استخراج واحدهای معنا، کدگذاری، مقوله‌بندی و درنهایت دسترسی به مقوله هسته یا مضمون روی داده‌ها انجام گرفت.

1. Grounded Theory

یافته‌های پژوهش

برساخت پدیده ناکامی اقتصادی

در میدان مورد بررسی، فعالان اقتصادی، ناکامی اقتصادی را معادل عدم توانایی پرداخت مطالبات خود اعم از هزینه مواد اولیه، دستمزد کارگران، بالا آوردن بدهی، فروش املاک و مستغلات برای حفظ کارخانه و تعطیلی بنگاه می‌دانند. نکته قابل تأمل در برساخت ناکامی اقتصادی در بین افراد مورد مطالعه نگرانی آنان از فشارهای اجتماعی به دلیل آشنایی و روابط چهره به چهره در منطقه مورد فعالیت است. افراد علاوه بر دغدغه‌های اقتصادی، نگران قضاوت دیگران هستند که مبادا ورشکسته قلمداد شوند. حتی برای فرار از این داغ حاضرند منزل مسکونی خود را بفروشند تا از این طریق حیثیت و منزلت اجتماعی خود را حفظ کنند. یکی از مشارکت کنندگان در مطالعه که مالک کارخانه تولید مواد شیمیایی است و هم‌اکنون واحد تولیدی‌اش در حالت نیمه فعال است می‌گوید:

«خانه خودم و دو فرزندم را فروختم تا بتوانم کارخانه را سرپا نگاه‌دارم و آبروی خودم و خانواده‌ام را حفظ کنم؛ اما عدم همکاری بانک و عدم استمهال وام مرا پیش همسر و خانواده‌ام شرمنده کرد».

بر اساس یافته‌های تحقیق، شرایطی که ناکامی اقتصادی را برای صاحبان بنگاه‌های کوچک و متوسط رقم می‌زند را می‌توان در سه دسته شرایط زمینه‌ای، شرایط مداخله‌ای و شرایط علی طبقه‌بندی کرد؛ که در ادامه به آن‌ها اشاره می‌شود:

عوامل زمینه‌ای:

دولت به‌مثابه مانع

بر اساس یافته‌های تحقیق فعالان اقتصادی برای دولت نقشی دوگانه قائل‌اند، از یک سو انتظار دارند که از صنایع کوچک و متوسط حمایت کند و فضای کسب‌وکار را بهبود بخشد و از سوی دیگر از دولت و ارکان آن به‌عنوان مانعی بر سر راه رشد و توسعه واحدهای تولیدی خود یاد می‌کنند که به‌جای تسهیل قوانین و حذف بروکراسی‌های زائد خود، مانع پیشرفت اقتصادی و کارآفرینی می‌شود. همچنین، یافته‌ها نشان می‌دهد که قوانین و مقررات و شرایط درباره بنگاه‌ها فارغ از اندازه آن‌ها یکسان است. خود نهاد دولت می‌تواند یکی از موانع رشد کسب‌وکارها و بنگاه‌های کوچک در جامعه باشد صاحبان بنگاه‌هایی که فعالیت‌های اقتصادی آنان تعطیل و یا نیمه تعطیل شده است، دولت را مانع برای رشد کسب‌وکارها خود می‌دانند که به‌جای تسهیل

قوانین، با بوروکراسی دولتی و مقررات دارایی و وضع مالیات‌ها و نظام ضعیف بانکی مانع پیشرفت اقتصادی و کارآفرینی می‌شود و تفاوتی بین بنگاه‌های کوچک، متوسط و بزرگ تفاوتی قائل نیست.

«من نمی‌دانم دولت متأسفانه چرا به بیراهه می‌رود... الآن اداره کار در مقابل کارفرما قرار دارد درحالی‌که این اداره باید در کنار کارگر و کارفرما برای حل مشکلات به آن‌ها کمک کند. من به کارگر نیاز دارم، کارگر به من نیاز دارد. اداره کار باید به هر دو ما کمک کند برای رفع سوءتفاهم‌های احتمالی، نه این‌که به تقابل کارگر و کارفرما دامن بزند» (واحد تعطیل تولیدکننده درب‌های اتوماتیک و جک).

«دولت به‌جای این‌که هوای واحدهای تولیدی مثل ما را داشته باشد و در مالیات‌ها تخفیف قائل شود اما هیچ تفاوتی بین بنگاه‌های کوچک و بزرگ قائل نیست و همه را با یک چوب می‌راند (واحد تعطیل تولیدکننده پانل ساختمانی و فوم ساختمانی)».

نظام بروکراسی

بنابر یافته‌های تحقیق یکی از چالش‌های فراروی بنگاه‌های کوچک و متوسط بروکراسی پیچیده اداری یا به تعبیر یکی از مشارکت‌کنندگان «بروکراسی نحس اداری» است که چه در مرحله راه‌اندازی بنگاه‌ها و چه در مراحل سیکل عمر بنگاه مانند گرهی بر دست و پای تولیدکنندگان و کارآفرینان عمل می‌کند. قوانین و مقررات دست‌وپا گیر، فرآیندها و مراحل طولانی اخذ مجوز، دشواری‌های فراوان اخذ تسهیلات بانکی، نظام مالیاتی مشکلاتی همه به‌عنوان مانعی در مسیر فعالیت بنگاه‌های کوچک و متوسط عمل کرده و بعضاً موجب کاهش انگیزه فعالان اقتصادی از ادامه فعالیت می‌شود و به بیانی دیگر موجب فرسوده کردن آن‌ها و اتلاف انرژی و منابعشان می‌شود.

«اخذ مجوزهای مختلف مانند مجوز تأمین آب و برق کارخانه حدود دو سال وقت و انرژی ما را گرفته است. اگر واقعاً تأمین آب موردنیاز برای راه‌اندازی کارخانه تولید نوشیدنی که پایه آن آب است ممکن نیست همان اول بگویند چرا این‌قدر ما را اذیت می‌کنند؟ مگر ما چه گناهی کرده‌ایم که می‌خواهیم سرمایه خود را در زمینه تولید به کاربریم (سرمایه‌گذار یک واحد در حال ساخت نوشیدنی‌های گازدار و آب‌معدنی)».

فرهنگ ضد سرمایه‌دار

برای فهم کامل پدیده‌های اقتصادی نه‌تنها توجه به ابعاد حقوقی و سیاسی آن‌ها بلکه نقشی که فرهنگ در این رابطه، بازی می‌کند نیز لازم است (سوئد برگ، ۱۳۹۵: ۳۷۷). سوئدبرگ جامعه‌شناس اقتصادی برجسته معاصر معتقد است هر ملتی فرهنگ اقتصادی خودش را دارد، همان‌طور که یک منطقه یا یک بنگاه فرهنگ اقتصادی خودش را دارد (منبع پیشین: ۳۷۹). به نظر می‌رسد در جامعه ما نگاه به سرمایه‌دار نگاهی منفی است. این رویکرد نه‌تنها بر جامعه کم‌وبیش حاکم است بلکه بر سیستم اداری ما نیز حکم‌فرما است. برخی از مشارکت‌کنندگان در مطالعه بیان داشته‌اند که «بقیه فکر می‌کنند که آنان از راه‌های غیرقانونی به مادیات رسیده‌اند و حق آنان را پایمال کرده‌اند».

«من وقتی که برای گرفتن وام به بانک مراجعه کردم آن‌ها به من توجه نکردند و فکر می‌کردند که من ارث پدرشان را بالا کشیده‌ام و به افراد کارآفرین که چند نفر دیگر را هم از لحاظ مالی ساپورت می‌کنند و ایجاد اشتغال می‌کنند توجهی ندارند و این به خاطر فرهنگ جامعه ما می‌باشد که افراد پول‌دار را نمی‌پسندد و نگاه منفی به آن‌ها دارد و فکر می‌کند از راه خلاف پولدار شده‌اند (علی، ۳۴ ساله)».

«برخی کارکنان ادارات زمانی که ما مراجعه می‌کنیم به‌گونه‌ای با ما رفتار می‌کنند که انگار ارث پدر آن‌ها را بالا کشیده‌ایم. فقط ماشین ما را می‌بینند، با خود فکر نمی‌کنند که برای سرپا نگه‌داشتن کسب‌وکار خود که نفع اش برای جامعه هم هست چه رنجی را تحمل می‌کنیم (امیر، ۵۰ ساله)».

سرمایه‌گذاری تقلیدی

«اینجا چون محیط کوچک است، دیگری که پول و سرمایه‌ای دارند تا می‌بینند که شما دارید موفق می‌شوید، در همان زمینه‌ای وارد می‌شوند که شما کار می‌کنید، اینجا بیش از آنکه نوآوری کنند، تقلید می‌کنند». این گفتار مالک یکی از واحدهای تولیدی گویایی پدیده‌ای است که می‌توان آن را «سرمایه‌گذاری تقلیدی» نامید. مروری بر فهرست بنگاه‌های در حال فعالیت، تعطیل‌شده و در حال ساخت نیز مؤید این مهم است که بیشترین فعالان مستقر در شهرک صنعتی کاشمر در زمینه بسته‌بندی خشکبار، کنستانترا انار، تولید قند فعالیت دارند. بنا بر یافته‌های تحقیق می‌توان گفت ورود یک بنگاه به یک صنعت به‌ویژه در مناطق کوچک که افراد بیشتر از حال و احوال یکدیگر آشنایند، سایرین را هم برای ورود به آن صنعت ترغیب می‌کند و به‌تبع این ورود رقابت نیز افزایش می‌یابد که در اثر افزایش رقابت ممکن است به دلیل

محدودیت‌های مختلفی مانند بازار محصولات، فناوری مورد استفاده عرصه بر دیگر بنگاه تنگ و موجب تعطیلی آن را فراهم کند.

«از ۵۰ تا شرکت ثبت شده در اینجا که در حال فعالیت هستند خیلی‌ها محصولات مشابه تولید می‌کنند مثل خشکبار و مواد غذایی و ... و خلاقیتی در آن پیدا نمی‌شود و به نظرم این باعث عدم پیشرفت و تعطیلی کارخانه‌ها است و رقابت را در این حوزه زیاد می‌کند (صادق، ۳۹ ساله)»

«الآن هر کسی پولی دارد، کارخانه شستشو و سورت کشمش بزند، متأسفانه کسی هم متولی این نیست که مگر منطقه ما کشتش چند کارخانه را دارد... چاه‌های کشاورزی الآن با مشکل مواجه‌اند، اصلاً چند سال دیگر باغ انگور و کشمش به این اندازه در کاشمر، خلیل‌آباد و بردسکن خواهد بود؟» (مالک واحد سورت و بسته‌بندی کشمش).

بستر و زمینه اجتماعی

یکی از پربسامدترین عبارات در مصاحبه‌های انجام شده اعم از مصاحبه‌های فردی و مصاحبه متمرکز گروهی عبارات «محیط اینجا»، «اینجا»، «در محیط‌های کوچک مثل اینجا» بود و حاکی از آن است که «محیط اجتماعی» یکی از شرایط مهم زمینه‌ای در ناکامی یا موفقیت بنگاه‌های کوچک و متوسط است. مطالعات انجام شده در حوزه‌های مدیریت صنعتی و اقتصاد نیز بر «محل استقرار بنگاه» اشاره دارند با این تفاوت که آن‌ها از جنبه تشکیل خوشه‌های صنعتی به محیط توجه دارند حال آنکه جامعه‌شناسان از حیث ویژگی‌های اجتماعی که می‌تواند مشوق یا مخل در سرمایه‌گذاری به آن پرداخته‌اند. یافته‌ها بیانگر این است که در میدان مورد مطالعه بستر و زمینه اجتماعی بیشتر به‌عنوان عامل منفی عمل می‌کند تا مثبت. یا حداقل می‌توان گفت مشارکت‌کنندگان در مطالعه زمینه اجتماعی را عامل منفی تلقی می‌کنند.

«چون اینجا محیط کوچک است، در نتیجه پیشرفت اینجا سخت است و هر کاری می‌کنید بقیه تقلید می‌کنند به‌جای این که کار جدیدی راه بیندازند (امیر، ۵۰ ساله)».

شرایط مداخله‌ای:

مدیریت سنتی

یافته‌های تحقیق و مشاهدات نگارندگان بیانگر آن است که ساختار غالب در بنگاه‌های مورد مطالعه ساختار مدیریت-مالک است و تصمیمات درباره نحوه اداره بنگاه، فروش محصولات و ... توسط مالکین بنگاه که خود مدیر بنگاه نیز هستند، گرفته می‌شود که عمدتاً نیز تخصصی در زمینه‌های مدیریت صنعتی، مدیریت بازرگانی و دیگر تخصص‌های مورد نیاز متناسب با صنعتی

که در آن فعالیت می‌کنند، ندارند؛ و این‌ها دفتر فروش و سیستم بازاریابی قوی ندارند و به‌بیان‌دیگر مدیریت حاکم بر بنگاه‌های مورد مطالعه اکثراً مدیریت سنتی است. تولیدکنندگان واحدهای قندی در پاسخ به سؤالات محققین درباره نحوه فروش کالاهای تولیدی خود اظهار داشتند «کالاهایمان را به بنکداران می‌فروشیم... آن‌ها هم دیر یا زود طلبمان را می‌دهند و ما در پرداخت حقوق کارگران و خرید مواد اولیه دچار مشکل می‌شویم.» این موضوع درباره دیگر واحدهای تولیدی نیز صادق است.

«ما امکانات بنگاه‌های بزرگ را نداریم مثلاً نمی‌توانیم بازاریاب استخدام کنیم که برای ما تبلیغ کند و فروشمان زیاد شود و یا بازار پیدا کنیم (سامان، ۵۰ ساله)»

پایین بودن سطح تخصص

ساختار غالب مدیریت- مالک در بنگاه‌های مورد مطالعه، محدودیت‌های مالی در به‌کارگیری از نیروهای متخصص و یا مشاوران مجرب، محدودیت دسترسی به نیروی متخصص در منطقه استقرار بنگاه و نیز استخدام عمدتاً فامیلی نیروی کار موجب شده که بنگاه‌های موجود به شیوه آزمون و خطا به‌ویژه در امور مالیاتی، بازاریابی و فروش به‌پیش بروند. با توجه به این‌که پیشرفت و توسعه هر واحد تولیدی و بنگاهی نیازمند افراد متخصص می‌باشد و هر چه بنگاه تولیدی بزرگ‌تر باشد، امکانات بیشتری نیز دارد ولی بنگاه‌های کوچک‌تر به خاطر کمبود امکانات، توانایی به‌کارگیری افراد متخصص و زبده را در زمینه فعالیت خود ندارند، که این خود مشکلاتی را در مسیر فعالیت بنگاه ایجاد می‌کند.

«من در واحد خودم دوست دارم که پیشرفت کنم و از افراد متخصص استفاده کنم ولی این شهر کوچک است و بنگاه‌های ما هم کوچک و تخصص لازم را نداریم و چون بودجه لازم هم نداریم نمی‌توانیم افراد با کفایت و متخصص را استخدام کنیم (رضا، ۴۵ ساله)»

ماهیت صنعت

به‌طور کلی بنگاه‌های کوچک و متوسط مستقر در شهرک صنعتی مورد مطالعه را می‌توان به دو زیرگروه مهم و مجزا تقسیم کرد: یکی بنگاه‌های کوچکی که نیازهای عمومی مصرف‌کنندگان را تأمین می‌کنند؛ مانند صنایع غذایی که بخشی از تولیدات در خود منطقه و شهرستان‌های مجاور به فروش و مصرف می‌رسد و نوع دوم بنگاه‌های کوچک هستند که کالاها و مواد واسطه‌ای را برای صنایع دیگر تأمین می‌کنند، مانند تولید گلوکز یا گاز اکسیژن (به ترتیب محصولات تولیدی واحد آلی گستر ترشیز و گاز اکسیژن ولیعصر). بر اساس یافته‌های مطالعه نوع دوم چون رونق و

رکودشان تحت تأثیر بنگاه‌های دیگر یا به عبارتی بازاری ثانویه است بیشتر دچار مشکل توقف تولید و تعطیلی بنگاه می‌شوند.

«ما چون بنگاه‌مان مواد واسطه‌ای تولید می‌کند به همین خاطر تحت تأثیر بنگاه‌های بزرگ‌تر هست و اگر مشکلی برای آن‌ها پیش بیاید کسب‌وکار ما هم راکد می‌شود و دائم نگران هستیم (تولید کننده گلوکز)».

مشکلات کارگری

بر اساس یافته‌های تحقیق در میدان مورد مطالعه بنگاه‌های کوچک و متوسط عمدتاً نیروهای کار ساده و غیر تخصصی خود را از میان آشنایان بیکار خود تأمین می‌کنند و بعضاً این افراد با حقوق و دستمزد توافقی که عموماً پایین‌تر از دستمزد قانون کار است به فعالیت مشغول می‌شوند. لیکن در صورت بروز اختلاف و شکایت کارگر بکارگیری شده به اداره کار بنگاه با جریمه‌های گزافی روبرو می‌شود و در صورت ادامه روند شکایت بنگاه با مشکلات عدیده‌ای روبرو می‌شود. یکی دیگر از مشکلات کارگری بنگاه‌های کوچک و متوسط [این مشکل عام و رایج در فعالیت‌های مختلف اقتصادی است و محدود به بنگاه‌های کوچک و متوسط صنعتی نیست] افزایش دستمزد کارگران با نرخ بیشتر از سود عرفی محصولات بنگاه‌ها است و این مسئله در سال جاری که دستمزد قانون کار افزایش بیشتری داشت حادث شده است.

«آدم دیگر نمی‌داند چه کسی را استخدام کند چون شهر ما کوچک است من فامیل‌ها را استخدام کردم که کمکی به آن‌ها کرده باشم چون هر چه باشد از آدم انتظار دارند ولی آن‌ها نمک شناسند و رفتند اداره کار از من شکایت کردند که من طبق قانون کار به آن‌ها حقوق نمی‌دهم و این خیلی برای من گران شد (امیر، ۴۲ ساله)».

شرایط علی:

نوسانات بازار ارز

یکی از مهم‌ترین رویدادهای اثرگذار بر فعالیت بنگاه‌های کوچک و متوسط (و حتی بنگاه‌های صنعتی بزرگ که موضوع این مطالعه نیستند) در دو سال اخیر نوسانات نرخ ارز و جهش نرخ دلار است؛ با توجه به شرایط موجود و تحریم‌های اقتصادی این نوسانات افزایش پیدا کرده و مشکلاتی را برای صاحبان صنایع به وجود آورده است. به‌خصوص این موضوع برای بنگاه‌هایی که در مرحله تأسیس و تکمیل خط تولید یا در حال توسعه کار خود هستند، بیشترین تأثیرپذیری را داشته‌اند.

«برآورد اولیه ما برای تاسیس کارخانه تولید نوشیدنی ۲۰ میلیارد تومان بود، بر همین اساس درصدد گسترش کار برآمدیم اما بالا رفتن نرخ ارز و وارداتی بودن برخی از تجهیزات مثل تجهیزات آزمایشگاهی و کنترل کیفیت سرمایه موردنیاز را به ۵۰ میلیارد تومان افزایش داد. عملاً با وجود بیش از دوازده، سیزده میلیارد تومان هزینه برای احداث واحد جدید، عملاً توان تکمیل آن را نداریم. این افزایش سه چهار برابری دلار نه تنها کار ما را متوقف کرد که دوازده سیزده میلیارد تومان سرمایه ما را هم دود کرد و به هوا برد (رسول، ۳۸ ساله)».

موانع نظام بانکی

استفاده از تسهیلات بانکی یکی از مهم‌ترین روش‌های تأمین مالی بنگاه‌های کوچک و متوسط در مراحل مختلف فعالیت اعم از مرحله تأسیس یا سرمایه در گردش در مرحله استقرار است؛ و شاید به توان گفت یکی از دلایل توقف و ناکامی این بنگاه‌ها نیز بانک‌ها هستند. مهم‌ترین مشکلات مالی که بنگاه‌های کوچک و مورد مطالعه بر اساس مصاحبه متمرکز گروهی انجام شده را می‌توان به شرح ذیل جمع‌بندی کرد:

الف) بانک تخصصی برای بنگاه‌های کوچک و تخصصی وجود ندارد و شرایط اعطای وام برای تمامی بنگاه‌ها با هر میزان تولید یا اشتغال یکسان است.

ب) یکی دیگر از مشکلات بنگاه‌های کوچک و متوسط تأمین وثیقه‌های درخواستی بانک‌ها برای استفاده از تسهیلات بانکی است.

واقعیت این است که بانک‌ها با قوانین دست‌وپا گیر برای تولیدکننده و سوق دادن او به بازارهای مالی غیررسمی موجب بالا رفتن قیمت محصولات تولیدی بنگاه‌های کوچک و متوسط شده و آن‌ها را در چرخه باطل و درنهایت نیز به تعطیلی و ورشکستگی می‌اندازند.

«وام بانک صنعت و معدن هم عملاً بیشتر نصیب کارخانه جات بزرگ می‌شود و شرایط به ضرر ما بنگاه‌های کوچک است و بانک‌ها حاضر نمی‌شوند خود کارخانه را به‌عنوان وثیقه قبول کنند و از ما سند دارایی‌های غیرمنقول مانند زمین و خانه می‌خواهند. وقتی که آن‌ها را به هر سختی تأمین می‌کنی باز کارشناس بانک ارزیابی‌اش کمتر از ارزش ملک است و کار ما راکد می‌شود (محمد ۳۳ ساله)»

اختلافات شرکا

یکی از دلایل ناکامی بنگاه‌های اقتصادی در شهرک صنعتی مورد مطالعه، اختلافات بین شرکا است. این اختلافات در بنگاه‌های سرمایه‌داری خانوادگی و نیز بنگاه‌های که از ابتدا به‌صورت

مشارکت در سرمایه تشکیل شده‌اند، بروز می‌نماید که در اثر افزایش اختلافات بعضاً موجب تعطیلی بنگاه می‌شود.

«به خاطر کمبود نقدینگی مجبور به شراکت شدم و ولی بعدش به مشکل خوردیم و اون بازدهی که انتظار داشتیم رو نداشت و باعث شد که همش دعوا داشته باشیم به خاطر تقسیم‌کار و وظایف و سود شرکت (امیر، ۴۷ ساله)»

راهبردهای کنشگران برای غلبه بر ناکامی

یافته‌های مطالعه حاکی از این است که صاحبان بنگاه‌های مورد مطالعه راهبردهای مختلفی را برای فائق آمدن برای ناکامی و سرپا نگه داشتن بنگاه خود انجام می‌دهند. یکی از این راهبردهای اولیه که به سراغ آن می‌روند «تأمین مالی از بازار غیررسمی» است؛ و بعضاً برای وجوه دریافتی سودهای کلان ۴۰ و ۵۰ درصدی نیز پرداخت می‌کنند که این موضوع در بلندمدت نه تنها از مشکلات آن‌ها نمی‌کاهد که بر مشکلات نیز بعضاً می‌افزاید:

«من برای نجات بنگاهم از ورشکستگی و تعطیلی خیلی کارها کردم و حتی به بانک هم خیلی مراجعه کردم ولی فایده نداشت و خیلی درگیر قوانین دست‌وپا گیر شدم اما در آخر مجبور شدم پول سودی بگیرم و کارم بدتر شد چون از پس سود آن بر نمی‌آمدم و فروش چندانی هم نداشتیم و باعث شد که کارگرایم را هم اخراج کنم (رضا، ۶۰ ساله)»

«تعدیل نیرو»، «فروش املاک و مستغلات شخصی و خانوادگی»، «اجاره بنگاه» و در نهایت «فروش بنگاه» از دیگر راهبردهایی است که در بین فعالان و کارآفرینان مورد مطالعه بوده است. بررسی و مشاهدات نگارندگان نشان می‌دهد از مجموع ۳۳ واحد فعال موجود مستقر در شهرک صنعتی کاشمر، ۱۰ واحد تولیدی، واحدهایی هستند اجاره شده‌اند و یا از مالک یا مالکین قبلی خریداری شده‌اند.

پیامدهای ناکامی اقتصادی بنگاه

هراس از سرشکستگی اجتماعی

یکی از مهم‌ترین پیامدهایی ناکامی اقتصادی در بنگاه‌های کوچک و متوسط «بیم از سرشکستگی اجتماعی» صاحبان و مالکان این بنگاه‌ها در میدان مورد مطالعه است. بر اساس یافته‌های مطالعه ورشکستگی برای آن‌ها موجب سرشکستگی اجتماعی است و به‌نوعی داغ ننگ (استیگما) محسوب می‌شود؛ و شاید بتوان گفت سرشکستگی و بدنامی اجتماعی به‌اندازه ضرر و زیان اقتصادی و شاید بیشتر برای آن‌ها اهمیت دارد. این هراس بیشتر به دلیل تبعات اجتماعی

بعدی است که می‌تواند می‌باشد که گریبان‌گیر فعالان اقتصادی شود. تبعاتی مانند از دست دادن اعتبار شخصی و خانوادگی، فروپاشی زندگی خانوادگی و... این مسئله نشان‌دهنده ارتباط نزدیک فعالیت اقتصادی با بعد اجتماعی آن است.

«من حاضرم فرش زیر پای خود و خانواده‌ام را بفروشم، اما دیگران نگویند فالانی ورشکسته شد... همیشه از این اسم ورشکسته می‌ترسم (محمود، ۶۶ ساله)».

آسیب‌های جسمی-روانی

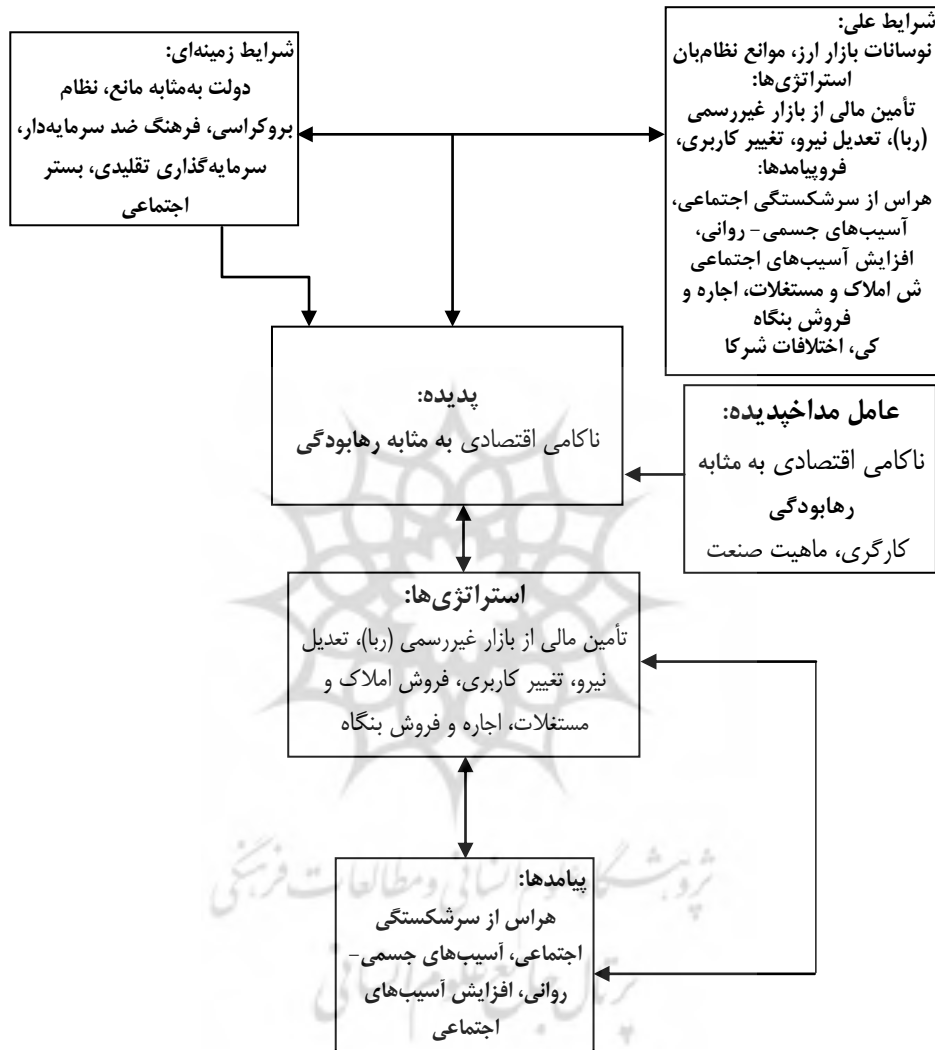
یکی دیگر از پیامدهای ناکامی اقتصادی، آسیب‌های جسمی و روانی برای فعالان اقتصادی و کارآفرینان است که سلامت جسمی و روحی آن‌ها را به خطر می‌اندازد. مشکلات بنگاه بعضاً موجب بیماری‌هایی مانند مشکلات قلبی، استرس، اضطراب، افسردگی، ناراحتی می‌شود و سلامت جسمی و روحی افراد را به خطر می‌اندازد. این مسئله نه تنها متوجه کارآفرینان و مالکان بنگاه می‌شود بلکه کارگران بنگاه‌های در شرف تعطیل را نیز در برمی‌گیرد.

«بعضی وقت‌ها آن قدر مشکلات کارخانه به من فشار وارد می‌کند که تپش قلب می‌گیرم. من باید در این سن بیماری قلبی داشته باشم؟ (حسن، ۳۵ ساله)».

افزایش آسیب‌های اجتماعی

این بیکاری یکی از پیامدهای تعطیلی بنگاه‌های اقتصادی کوچک و متوسط است که با پیامدهای اجتماعی بسیاری از جمله طلاق و فروپاشی خانواده‌ها و اعتیاد را در پی دارد. آسیب‌های اجتماعی برای زنان شاغل که عمدتاً در شهرک صنعتی مورد مطالعه در صنایع غذایی مشغول بکارند مضاعف نیز هست چراکه عمدتاً زنان سرپرست خانوار هستند.

«من خودم به‌شخصه دوست نداشتم کارگرانم را اخراج کنم ولی برام پیش آمد و آن‌ها را اخراج کردم و خیلی از آن‌ها به این کار احتیاج داشتند و این زندگی آن‌ها رو تحت‌الشعاع قرا داده است (امیر، ۶۶ ساله)».



نمودار شماره ۱: مدل پارادایمی ناکامی بنگاه‌های کوچک و متوسط

بحث و نتیجه‌گیری

عمر کوتاه بنگاه‌های کوچک و متوسط و تعطیلی و توقف فعالیت آنها به‌عنوان ستون فقرات بخش خصوصی یکی از مسائل مهم اقتصاد ایران است که دارای ابعاد مختلف و از جمله بعد جامعه‌شناختی است. پژوهش حاضر باهدف مطالعه دیدگاه‌های صاحبان بنگاه‌های اقتصادی کوچک و متوسط مستقر در شهرک صنعتی کاشمر در خصوص مشکلات و چالش‌های فرار وی

فعالیت آنها با روش گردند تئوری انجام گرفت. از دل داده‌های پژوهش، ۵۰ مفهوم و از درون مفاهیم، ۲۰ مقوله به‌عنوان زمینه‌ها، شرایط علی، شرایط مداخله‌گر، استراتژی‌ها و پیامدها به دست آمد. از درون مقولات به‌دست‌آمده مقوله هسته تحت عنوان ناکامی اقتصادی به‌مثابه رهابودگی استخراج گردید.

نتایج این مطالعه حاکی از این است پدیده ناکامی اقتصادی صرفاً پدیده‌ای اقتصادی نیست بلکه پدیده‌ای اجتماعی-اقتصادی است. تجربه زیسته فعالان اقتصادی مستقر در میدان مطالعه گویای این مسئله مهم است که نزد فعالان اقتصادی حفظ جایگاه منزلت و اعتبار اجتماعی به‌اندازه ضرر و زیان اقتصادی دارای اهمیت است؛ و بخشی از تلاش‌های صاحبان بنگاه‌های کوچک و متوسط برای عدم تعطیلی بنگاه برای حفظ آبرو و منزلت اجتماعی آنها است.

بر اساس یافته‌های تحقیق، شرایطی که ناکامی اقتصادی را برای صاحبان بنگاه‌های صنعتی کوچک و متوسط رقم می‌زند می‌توان در سه دسته شرایط زمینه‌ای، شرایط مداخله‌ای و شرایط علی طبقه‌بندی کرد. (۱) شرایط زمینه‌ای عبارت‌اند از دولت، بوروکراسی دست و پاگیر، حاکمیت فرهنگ ضد سرمایه‌دار، تقلیدی بودن سرمایه‌گذاری و محیط اجتماعی؛ به نظر می‌رسد در بین شرایط زمینه‌ای به‌جز محیط اجتماعی که می‌تواند مختص میدان مورد مطالعه یعنی شهر کاشمر باشد، همسویی یافته‌های این مطالعه با نتایج مطالعات اکبری و همکاران (۱۳۹۵)، محمدی تلوار (۱۳۹۵)، مهرعلی زاده و سجادی (۲۰۰۶) گویای این است که سایر شرایط زمینه‌ای برای بنگاه‌های صنعتی کوچک و متوسط در دیگر مناطق مشابه است. (۲) شرایط مداخله‌ای که به‌طور غیرمستقیم در ناکامی بنگاه‌ها دخیل‌اند عبارت‌اند از: مدیریت سنتی، کمبود تخصص، نوع صنعت، مشکلات کارگری؛ یافته‌های این مطالعه با نتایج محمدی تلوار (۱۳۹۵)، مهرعلی زاده و سجادی (۲۰۰۶) و لیبی و لیمی (۲۰۲۰) و فیض پور و مؤید (۱۳۸۷) همسو است. (۳) شرایط علی که به‌طور مستقیم بر ناکامی اقتصادی در بنگاه‌های کوچک و متوسط اثرگذارند، عبارت‌اند از: نوسانات نرخ ارز؛ موانع بانکی و اختلافات شرکاء؛ پارسا پور و همکاران (۱۳۹۶)، محمدی تلوار (۱۳۹۵)، لیبی و لیبی (۲۰۲۰) نیز در مطالعات خود به نتایج مشابهی رسیده‌اند. همچنین بر اساس یافته‌های تحقیق کنشگران اقتصادی برای غلبه بر ناکامی راهبردها و استراتژی‌های مختلفی از جمله تأمین مالی از بازار غیررسمی، تعدیل نیرو، فروش املاک و مستغلات شخصی و خانوادگی، "اجاره بنگاه و درنهایت فروش بنگاه را به کار می‌گیرند. یکی از وجوه نوآورانه این مطالعه بررسی پیامدهای ناکامی اقتصادی برای کارآفرینان و دیگر افراد دخیل در زنجیره فعالیت بنگاه از جمله کارگران است. هراس از سرشکستگی اجتماعی، آسیب‌های جسمی-روانی و افزایش آسیب‌های اجتماعی از جمله پیامدهای ناکامی اقتصادی بنگاه‌های اقتصادی است. همچنین باید

اشاره کرد نظریات مطرح‌شده از جمله نظریه ماکس وبر درباره تقابل بوروکرات‌ها، کارآفرینان و کارگران در بنگاه، نظریه حک‌شدگی گرانووتر، میدان‌های اقتصادی بورديو و تحلیل هزینه مبادله نورث از یافته‌های پژوهش پشتیبانی می‌کند. به‌طور کلی و بر اساس نتایج مطالعه می‌توان گفت بنگاه‌های کوچک و متوسط و فعالان اقتصادی و کارآفرینان این عرصه مسیر سختی را در فرآیند استقرار و بقا بنگاه در پیش دارند، تعطیلی بیش از یک‌سوم بنگاه‌های کوچک و متوسط در کشور خود گواهی بر این ادعاست. به استناد نتایج مطالعه می‌توان گفت یکی از مسائل مهمی که بنگاه‌های کوچک و متوسط با آن مواجه‌اند «رها بودگی» این بنگاه‌ها است. مراد از رهابودگی وضعیتی است که فعالان اقتصادی و صاحبان بنگاه‌های کوچک و متوسط صنعتی خود را بدون پشتیبان و حامی می‌انگارند و بر این نظرند که در برابر چالش‌های متعدد فرا روی فعالیت آنها مانند نوسانات نرخ ارز، تامین نقدینگی و ... به حال خود واگذاشته شده‌اند که خود جلوه‌ای دیگر از ناکامی اقتصادی است و به بیانی دیگر می‌توان از رها بودگی به مثابه ناکامی اقتصادی یاد کرد. این در حالی است که به استناد مصوبه هیات وزیران شرکت مادر تخصصی سازمان صنایع کوچک و شهرک‌های صنعتی ایران در سال ۱۳۸۴ با هدف حمایت، پشتیبانی و هدایت بنگاه‌های کوچک و متوسط تشکیل شد لیکن این سازمان تاکنون نتوانسته آن‌چنان که باید و شاید به اهداف مشخص‌شده درباره بنگاه‌های کوچک و متوسط جامعه عمل پیوشاند. مسئله مهم دیگر «تسهیلات پایه» بودن یا به‌عبارت‌دیگر انکای بیش‌ازحد بنگاه‌های کوچک و متوسط به تسهیلات بانکی در مراحل مختلف اعم از راه‌اندازی و نیز سرمایه در گردش است که این خود مسئله‌ای درخور توجه و پژوهش است که چرا به این اندازه متکی به تسهیلات بانکی هستند؟

با توجه به یافته‌های پژوهش مبنی بر چالش‌های فراروی بنگاه‌های کوچک و متوسط اعم از چالش‌های عام مانند تحریم‌های اقتصادی و نوسانات نرخ ارز و چالش‌های خاص این بنگاه‌ها مانند مدیریت سنتی، پایین بودن تخصص نیروها، اختلافات شرکا و ... نقش سازمان‌های دولتی نیازمند بازنگری و تغییر از صرف صدور مجوز به رویکرد مراقبتی و حفاظتی و به تعبیری «باغبانی» نسبت به بنگاه‌های کوچک و متوسط است. همچنین یافته‌های حاکی از این است که وابستگی زیاد بنگاه‌های کوچک و متوسط به تسهیلات و به عبارتی تسهیلات پایه بودن آنها یکی از دلایل دخیل در توقف و تعطیلی بنگاه است. بنابراین با توجه به پیامدهای اقتصادی، اجتماعی و روانی تعطیلی و توقف فعالیت بنگاه و به منظور کاهش اثرات مخرب ناکامی اقتصادی صاحبان بنگاه‌های کوچک و متوسط و کارکنان آنها، بازنگری در قوانین و مقررات تاسیس و راه‌اندازی این بنگاه‌ها پیشنهاد می‌شود.

منابع

- اکبری، حسن، ابراهیم‌پور، مصطفی؛ هوشمند چایانی، میلاد (۱۳۹۵)، تأثیر عوامل نهادی بر عملکرد پایدار بنگاه‌ها، *فصلنامه چشم‌انداز مدیریت بازرگانی*، دوره ۱۵، شماره ۲۸، ۸۱-۱۰۰.
- بنی‌فاطمه، حسین، محمدی تلوار، ستار؛ نوذری، حمزه (۱۳۹۶)، بررسی جامعه‌شناختی چالش‌های رشد و توسعه بنگاه‌های اقتصادی خانوادگی در ایران (مورد مطالعه: بنگاه‌های اقتصادی کوچک و متوسط شهر تهران)، *دو فصلنامه جامعه‌شناسی اقتصادی و توسعه*، سال ۶، شماره ۳، ۱-۳۴.
- پارسا پور، سارا (۱۳۹۶)، عوامل مؤثر بر پایداری بنگاه‌های کوچک و کارآفرین مطالعه موردی: بنگاه‌های صنعتی شهر مشهد، *توسعه کارآفرینی*، دوره ۱۰، شماره ۱، ۴۱-۶۰.
- رحمتی، محمد مهدی (۱۳۸۳)، بررسی اعتبار تجربی تئوری تجربی ناکامی- پرخاشگری تماشگران فوتبال تهران، *رفاه اجتماعی*، دوره ۴، شماره ۱۴ (سلامت روان در ایران)، ۱۹۹-۲۲۰.
- سید جوادین، سیدرضا؛ طهمورث، حسنقلی‌پور؛ محمدی، حمیدرضا (۱۳۸۹)، آسیب‌شناسی فعالیت بنگاه‌های کسب‌وکار کوچک تهران بر اساس نیازهای مشتریان، *ماهنامه کار و تجارت*، شماره ۱۲۹، ۲۰-۳۵.
- سوند برگ، ریچارد، گرانووتر، مارک (۱۳۹۵)، *جامعه‌شناسی اقتصادی؛ ساخت اجتماعی و کنش اقتصادی*، ترجمه علی‌اصغر سعیدی، چاپ اول، تهران، انتشارات تیسرا.
- سیف، ولی‌اله (۱۳۹۳)، *جایگاه شرکت‌های کوچک و متوسط در اقتصاد کشور*، سخنرانی ارائه شده در همایش بنگاه‌های کوچک و زودبازده، پایگاه اطلاع رسانی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، قابل دسترسی به آدرس: <https://www.cbi.ir/showitem/12096.aspx>
- شومیپتر، جوزف (۱۳۷۵)، *تاریخ تحلیل اقتصادی*، ترجمه فریدون فاطمی، جلد اول، تهران، تهران، انتشارات مرکز.
- صالحی‌نیا، محسن (۱۳۹۸)، *چه تعداد واحد صنعتی تعطیل و نیمه‌تعطیل هستند؟*، گفتگو با پایگاه خبری تجارت نیوز.
- طالبی، کامبیز (۱۳۹۶)، *نقش راهبردی بنگاه‌های صنعتی کوچک و متوسط در توسعه ملی*، تهران، چاپ اول، انتشارات دانشگاه تهران.
- علی نژاد، منوچهر (۱۳۹۷)، *درآمدی بر جامعه‌شناسی اقتصادی*، یزد، انتشارات دانشگاه یزد.
- فیض‌پور، محمدعلی؛ موبد، میترا (۱۳۸۷)، توقف بنگاه‌های صنعتی و عوامل مؤثر بر آن: مطالعه موردی بنگاه‌های صنعتی کوچک و متوسط استان یزد طی برنامه سوم توسعه، *فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی*، سال هشتم، شماره سوم، ۹۹-۱۲۰.

محسنی تبریزی، علیرضا (۱۳۷۹)، مبانی نظری و تجربی وندالیسم؛ مروری بر یافته‌های یک تحقیق، نامه علوم اجتماعی، دوره ۸، شماره پیاپی ۱۶، ۱۹۳-۲۲۷.

محمدپور، احمد (۱۳۸۹)، ضد روش: منطق و طرح در روش‌شناسی کیفی، تهران، انتشارات جامعه‌شناسان.
مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی (۱۳۹۴)، الگوی تامین مالی بنگاه‌های کوچک و متوسط معاونت پژوهش‌های اقتصادی، دفتر مطالعات اقتصادی، شماره مسلسل ۱۴۳۸۰.

Amankwah-Amoah, J., Boso, N., & Antwi-Agyei, I. (2018). The effects of business failure experience on successive entrepreneurial engagements: An evolutionary phase model. *Group & Organization Management*, 43(4), 648-682.

Bushe, B. (2019). The causes and impact of business failure among small to micro and medium enterprises in South Africa. *Africa's Public Service Delivery and Performance Review*, 7(1), 1-26.

Dias, A., & Teixeira, A. A. (2017). The anatomy of business failure. *European Journal of Management and Business Economics*.

Hass. Jeffrey. K(2007), *Economic sociology :an introduction*, New York: Routledge.

Lipi, R., & Lipi, I. (2020), DEFINITIONS OF SMALL FIRM FAILURE SIGNS AND FINANCIAL DISTRESS, *Social and Economic Challenges in Europe*, 4(13), 478-485.

Mehralizadeh, Y., & Sajady, S. H. (2006). A study of factors related to successful and failure of entrepreneurs of small industrial business with emphasis on their level of education and training. *Available at SSRN 902045*.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی